

A comparative study of banquet customs in Hamidi and Hariri maqamat

Fatema Esfandiyari Mehni*

assistant professor of Persian language and literature, payame noor university, Tehran, iran

MohammadReza Najarian†

Associate Professor of Persian Language and Literature, yszd, iran

Ashraf Sadat Shahidi‡

assistant professor of Persian language and literature, payame noor university, Tehran, iran

Abstract

The two books of Hamidi and Hariri maqamat, the first written in Persian and the second in Arabic, are full of numerous narratives and stories that deal with important social issues such as guest etiquette. Partying and going to parties has brought friendship and unity among the Islamic Ummah and brotherhood. In these books, there are many references to guest etiquette. Examining the contents of these two books about Mehmani shows that Hamidi and Hariri are influenced by the teachings of Islam in composing these contents. The guest and the host are two sides of this social behavior and have actions and duties towards each other. In the Hamidi and Hariri maqamat, the responsibility of the host; Honoring and receiving the guest, adequate and proper reception of him, being friendly with the guest and seeing him off, and the guest's duties towards the host; It is not accompanied by uninvited guests, shortening the guest's time and not making the host suffer.

Keywords: maqamat, Hamidi, Hariri, party etiquette, host, guest

* Corresponding Author: Fateme_17447@yahoo.com

† reza_najarian@yazd.ac.ir

‡ shahidiashraf@yahoo.com

بررسی تطبیقی آداب ضیافت در مقامات حمیدی و حریری

فاطمه اسفندیاری مهنی^۱  | استادیار- دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

محمدرضا نجاریان^۲  | دانشیار- دانشگاه یزد، یزد، ایران

اشرف‌السادات شهیدی^۳  | استادیار - دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

دو کتاب مقامات حمیدی و حریری که اولی به زبان فارسی و دومی به زبان عربی نوشته شده است، سرشار از روایات و داستان‌های متعددی است که به مسائل مهم اجتماعی همچون آداب مهمانی پرداخته است. مهمانی دادن و به مهمانی رفتن سبب انس و الفت میان امت اسلامی و اتحاد و برادری شده است. در این کتب، اشاره‌های زیادی به آداب مهمانی شده است. بررسی مطالب این دو کتاب در مورد مهمانی نشان می‌دهد که حمیدی و حریری در انشاء این مطالب، متأثر از آموزه‌های دین اسلام می‌باشند. مهمان و میزبان، دو طرف این رفتار اجتماعی‌اند و حرکات و وظایفی در قبال یکدیگر دارند. در مقامات حمیدی و حریری، وظایف میزبان؛ اکرام و استقبال از مهمان، پذیرایی کافی و مناسب از وی، خوشرویی با مهمان و بدرقه کردن وی و وظایف مهمان در برابر میزبان؛ همراه بردن غیر مدعو، کوتاه کردن زمان مهمانی و به رنج نیفکندن میزبان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مقامات، حمیدی، حریری، آداب مهمانی، میزبان، مهمان

۱. نویسنده مسئول: Fateme_17447@yahoo.com

۲. reza_najjarian@yazd.ac

۳. shahidiashraf@yahoo.com

۱. مقدمه

استاد ملک‌الشعرای بهار درباره «مقامه» می‌نویسد:

«المقامه: الْمَجْلِسُ أَوِ الْجَمَاعَةُ مِنَ النَّاسِ أَوْ الْخُطْبَةُ أَوِ الرَّوَايَةُ الَّتِي تَلْقَى فِي مُجْتَمَعِ النَّاسِ». در مجلس ملک، معروف است که سخنانی می‌گفتند در پند و موعظت ملوک و نیز به معنی «مجلس گفتن» و موعظه بر منبر یا بر سر انجمن‌هاست که آن را «تذکیر» و «مجلس گویی» می‌نامیدند، چه مجلس و مقام تقریباً به یک معنی است. مقامات به معنی روایات و افسانه‌هایی است که کسی آن‌ها را گرد آورده و با عباراتی مسجع و مقفی و آهنگ‌دار برای جمعی فروخواند یا بنویسد (بهار، ۱۳۶۵: ۳۲۴).

دکتر شوقی ضیف درباره معنی لغوی مقامه چنین می‌گوید:

مجلس و انجمن، قبیله و جماعت حاضر در مجلس و انجمن؛ اما در عصر اسلامی به این معنا به کار رفته است: مجلسی که در آن شخصی در برابر خلیفه یا دیگران می‌ایستد و از روی وعظ سخن می‌گوید و بدیع الزمان همدانی آن را به معنای قصه‌گویی و ایراد سخن در مجلس استعمال کرده است چه آن فرد نشسته باشد و چه ایستاده (نجاریان، ۱۳۹۲: ۱).

۱-۱. هدف پژوهش

اهمیت تحقیق در آن است که گوشه‌هایی از زوایای فرهنگ غنی ایرانیان و مسلمانان را در یک دوره تاریخی نشان می‌دهد و مردم را با رهنمودهای قرآن و ائمه اطهار در قالب گزارش‌های داستانی آشنا می‌سازد. یکی دیگر از وجوه اهمیت این تحقیق، جنبه کاربردی و عملی تحقیق است که راه و رسم ضیافت و مهمان‌داری را به مردم آموزش می‌دهد و بکارگیری آن‌ها بخصوص در این عصر، کمک شایانی به حل بسیاری از مشکلات می‌نماید.

۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره آداب مهمانی مقالات زیادی نوشته نشده است. در این زمینه، می‌توان به مقاله «آداب ضیافت و مهمان‌نوازی در شاهنامه فردوسی» اثر مهناز سید نظامی و شهین شریفی، چاپ شده در دهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی اشاره کرد. نویسندگان در

این مقاله به بررسی آداب ضیافت در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که به اقتضای متن حماسی شاهنامه، آداب ضیافت هم با شکوه و احترام و استقبال شاهانه برگزار گردیده است.

نبود تحقیقی موردی که به صورت مستقل به بررسی آداب مهمانی در مقامات حریری و حمیدی بپردازد، ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌کند.

۲. سیر مقامه‌نویسی

ابن درید (متوفی در ۳۲۱ ه.ق)، ظاهراً نخستین کسی است که با حدیث‌های خود، راه را بر فنّ مقامه‌نویسی گشود؛ اما نخستین کسی که به مقامه‌نویسی روی آورد بدیع‌الزمان همدانی است. قلّشندی در «صبح الأعشى فی قوانین الإنشاء»، حنا الفاخوری در تاریخ ادبیات عرب و بسیاری منابع مهمّ عربی و فارسی به این نکته اذعان دارند؛ اما اعتقاد فارس ابراهیمی چنین است که گرچه مقامات در قرن چهارم هجری وضع شد؛ ولی حقیقت آن است که بدیع‌الزمان، مبتکر این فن نیست؛ بلکه او با مهارت و استادی، اجزایی را که از قدیم در جامعه و ادبیات عرب بوده با یکدیگر تلفیق و ترکیب کرده و فن قابل توجهی به دست آورده است و کلمه مقامات را که معانی فراوانی داشت بر فن خود اطلاق نموده و موجب شده است معانی دیگر این کلمه کنار رود و مقامه فقط معنای اصطلاح خاص ادبی به خود گیرد. وی مبتکر مقامه‌نویسی در ادبیات عرب را «ابن درید» دانسته و بدیع‌الزمان را از نظر تلفیق داستان، استاد و مبتکر دانسته و عنوان کرده است که بدیع‌الزمان، اصطلاح مقامه را برای نخستین بار به یک نوع از قصّه منحصر ساخته است (نجاریان، ۱۳۹۲: ۲).

در اواخر قرن چهارم هجری از فروع فنّ قصص که آن زمان در نثر عربی شهرت و رواجی داشت، فنی جدید ابداع شد که مبتکر آن ابوالفضل احمد بن حسین همدانی ملقب به بدیع‌الزمان همدانی است و نام مقامات بر آن نهاد.

مقامه در ایران

عمرو بن محمود ملقب به حمیدالدین و مشهور به محمودی بلخی، قاضی‌القضات بلخ بود. حمیدی، مقاماتش را در سال ۵۵۱ ق، به شیوه مقامات حریری نوشت و در مقدمه کتابش مدعی شد که پیش از او کسی به زبان فارسی، مقامات ننوشته و او نخستین کسی است که به این کار همت گماشته است.

قاسم بن علی بن محمد بن عثمان حریری حرامی، مکنی به ابومحمد، صاحب مقامات حریری، یکی از ادبای مشهور ایرانی از اهل قریه مشان یکی از قرآء بصره به سال ۴۴۶ ق، متولد شد. ابن خلکان گوید: او یکی از ائمه عصر خویش بود و در عمل مقامه‌نگاری بهره تام یافت؛ چه مقامات وی مشتمل بر بسیاری از کلام عرب، اعم از لغات، امثال، رموز و اسرار این زبان است. قهرمان مقامه‌های حریری شخصی خیالی به نام ابوزید سروجی است. راوی ماجرا شخصی خیالی دیگری به نام الحارث بن همام است؛ اما حمیدی مقامه را از زبان یک دوست مخلص و صمیمی روایت می‌کند و قهرمان مقامات، فردی ناشناس است.

اجتماعیات در ادب فارسی

بحث اجتماعیات در ادب فارسی، ریشه در علم جامعه‌شناسی دارد و به نوعی از زیرمجموعه‌های دانش جامعه‌شناسی و «همسو با سنت‌های جامعه‌شناسی از طریق هنر است که به بررسی ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات و رابطه میان جامعه و ادبیات و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر می‌پردازد» (حسنی کندسر، ۱۳۹۰: ۶۴).

روی آوردن به مطالعات اجتماعی در ادبیات، مرهون تلاش‌های غلامحسین صدیقی است که پدر جامعه‌شناسی ایران محسوب می‌شود و درس «اجتماعیات در ادب فارسی» را در برنامه درسی دانشجویان گنجاند (همان: ۶۷). بررسی دقیق متون نظم و نثر فارسی، بخشی از ویژگی‌های فرهنگ و ادب را در طول تاریخ به ما می‌شناساند. در دوره‌هایی از تاریخ، «وظیفه پاسداشت تاریخ و حیات ملی بر شانه ادبیات فارسی سنگینی کرد و ادبیات فارسی بار ادراک و احساس قوم ایرانی را در طی هزار و یکصد سال تاریخ بر دوش کشید» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۷: ۸) و در دوران «قدرت شمشیر بالای سر ما، ما را به سوی قلم راند و دبیر و شاعر و

سخنور شدیم» (آشوری، ۱۳۸۴: ۹۶) و این گونه تصمیم گرفت که امپراطوری سیاسی را به امپراطوری فرهنگی بدل کند و خارجیان را در فرهنگ خود مستهلک نماید (حسنی کندسر، ۱۳۹۰: ۶۹). ادبیات ایرانی تمامی جنبه‌های زندگی از جمله آداب معاشرت، مهمانی، جشن، سوگواری، بازی اطفال، شغل، خرافه، مالیات، مسائل پزشکی و غیره را در شعر و نثر بازتاب داده است.

ضیافت در اسلام

اسلام در رابطه با کیفیت و طرز غذا خوردن، مانند سایر مظاهر زندگی، آداب و روشی را بیان کرده و غالباً فلسفه و علت‌های آن را هم به پیروان خود آموخته و دستورات لازم را به وسیله قرآن بیان فرموده است. قرآن کریم، خوردن غذا و گرفتن نیرو را، اگر به قصد قربت و خدمت به دیگران باشد، عمل نیک و پسندیده بیان کرده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحاً» ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید (مؤمنون، ۵۱). حتی به همه مؤمنان دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید (بقره، ۱۷۲).

تفاوت انسان‌های مؤمن با سایر مردم این نیست که نیاز به غذا نداشته باشند، بلکه تفاوتشان در این است که مؤمنین حتی تغذیه را به عنوان وسیله تکامل، قبول کرده‌اند به همین دلیل باید غذای آن‌ها پاکیزه و حلال باشد؛ در حالی که سایر مردم، هدفشان فقط خوردن و آشامیدن است و از این راه هوی و هوس آن‌ها تأمین می‌شود.

سفارش قرآن به مؤمنان درباره ادب مهمان شدن در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، چنین است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بدون اذن و اجازه و دعوت برای طعام، وارد خانه پیامبر نشوید، و هرگاه دعوت شدید، داخل شوید، و چون غذا خوردید، پخش شوید (و بروید) و برای حرف زدن ننشینید، این کار شما سبب اذیت پیامبر است و از شما خجالت می‌کشد؛ ولی خداوند از گفتن حق، حیا نمی‌کند» (احزاب، ۵۳).

یکی از مسلمانان صدر اسلام به نام «ابووائل» می‌گوید: من به اتفاق دوستم به خانه سلمان فارسی رفتم و مدتی نشستیم. هنگام غذا فرا رسید. سلمان گفت: اگر نبود آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از تکلف و خویشتن را به زحمت افکندن نهی کرده است، برایتان غذای خوب‌تری فراهم می‌کردم. سپس برخاست و مقداری نان معمولی و نمک آورد و جلوی مهمانان گذاشت. رفیقم گفت: کاش همراه این نمک، مقداری ستر (مرزه و آویشن) بود! سلمان رفت و ظرف آب خویش را «گرو» نهاد و کمی مرزه فراهم کرد و سر سفره نهاد. وقتی غذا خوردیم، دوستم گفت: خدا را شکر که به روزی خدا قانعیم! سلمان گفت: اگر به رزق خدا قانع بودی، الآن ظرف آب من در گرو نبود (بحار الانوار، ج ۲۲: ۲۸۴).

در حدیث است: «لَا تَكْلَفُوا لِلضَّيْفِ» یا «لَا يَتَكَلَّفَنَّ أَحَدٌ لَضَيْفِهِ مَا لَا يَقْدِرُ» (کنز العمال، ج ۱۶: ۲۴۸). برای پذیرایی از مهمان، خود را بیش از حد توان به زحمت و مشقت نیندازید. امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «هرگاه یکی از شما به مهمانی و طعامی دعوت شدید، فرزند خود را همراه نبرید، اگر چنین کنید، کاری ناروا و غاصبانه کرده‌اید» (بحار الانوار، ج ۷۲: ۴۴۵). این همان عادت ناپسند «طفیلی» و «قُفیلی» بردن همراه است (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۵). در حدیث دیگری پیامبر اسلام (ص) به حضرت علی (ع) در ضمن وصایایی فرمود:

«یاعلی! هشت گروه‌اند که اگر مورد اهانت قرار گرفتند، خودشان را سرزنش کنند، نه دیگری را. یکی از آنان کسی است که به مهمانی‌ای که دعوت نشده برود و بر سر سفره ناخوانده بنشیند» (بحار الانوار: ۴۴۴).

مشهور است که: «سفره نینداخته، یک عیب دارد. سفره انداخته، هزار عیب». این مثل همان کلام دیگر است که می‌گویند: دیکته نوشته نشده، غلط ندارد. وقتی کسانی مهمانی می‌دهند، بخصوص به صورت دسته جمعی و عمومی، چیزی به نام «گلایه» مطرح می‌شود که چرا ما را خبر نکردند، مگر غریبه بودیم که دعوت نشدیم. از طرف دیگر هم میزبان باید خود را برای گلایه‌های احتمالی آماده کند، اما آنچه برای دیگران بسیار کارساز است، «عدم توقع» است. نتیجه این روحیه، آرامش وجدان و آسایش درون است. زبان به گلایه گشودن، هم طرف مقابل را شرم‌منده و رنجیده می‌کند، هم نشانه کم ظرفیتی و

دون‌همتی و حقارت نفس گله‌کننده است. مناعت طبع، گوهری است که نباید آن را با سنگ «توقع‌های کوچک» شکست. اگر به مهمانی هم رفتیم و غذا و جا و شرایط بر طبق میل و انتظارمان نبود، باز هم عیب‌جویی و شکوه، مناسب نیست؛ زیرا گلایه‌های بعدی، نه عیوب و کاستی‌های گذشته را اصلاح می‌کند، نه چیزی عاید ما می‌شود. تنها پایین بودن سطح اندیشه و افق فرهنگ خویش را با این کار، نشان داده‌ایم. ایثار و گذشت و بلندنظری و والا‌همتی حائز اهمیت است (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۰).

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «هَلَكَ امْرُؤٌ احْتَقَرَ لِاخِيهِ مَا يَحْضُرُهُ وَ هَلَكَ امْرُؤٌ احْتَقَرَ مِنْ اخِيهِ مَا قَدَّمَ اِلَيْهِ». میزبانی که آنچه را برای برادرش آماده ساخته، کوچک بشمرد هلاک و گمراه شده است، همچنین میهمانی که آنچه را که نزد او حاضر کرده‌اند، کوچک بشمرد گمراه است (فیض کاشانی، ۱۴۱۷. ج. ۳: ۳۰).

ضیافت در ادب فارسی و عربی

ضیافت در لغت به معنای «مهمان شدن، مهمانی، مهمان‌داری، تواضع خشک» (معین. «ضیافت») و در اصطلاح یکی از مراسم و آداب اجتماعی است که در زندگی اجتماعی همه فرهنگ‌ها وجود داشته و دارد.

«مهمان کسی است که بر دیگری وارد شود و از او با اطعام و دیگر وسایل پذیرایی کنند و مقابل میزبان است. کسی که او را به خانه خود خوانند و اکرام کنند» (دهخدا. «مهمان»). مضمون ضیافت و مهمانی در ادب فارسی و عربی، سابقه‌ای طولانی دارد و شاعران و نویسندگان از تعبیرات و روش‌های گوناگون برای بیان این جنبه از فرهنگ، بهره برده‌اند. در میان آثار منشور فارسی، غزالی در کیمیای سعادت به طور مفصل به ذکر آداب مهمانی و وظایف میزبان و مهمان در قبال یکدیگر، پرداخته است (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۲۵ - ۲۳۷).

طرز خوردن غذا در جوامع مختلف متفاوت است. بعضی ایستاده، بعضی نشسته، بعضی ضمن راه رفتن و شاید بعضی‌ها در حالت خوابیده و یا هنگام کار و رانندگی غذا می‌خورند که البته به حکم ضرورت در هیچ کدام از موارد مذکور اشکالی نیست. اسلام در مسئله مهمان‌نوازی و مهمان‌داری و مهمانی، نکات ریز و قابل توجهی را بیان کرده است که با اندکی

تأمل معلوم می‌شود، هم مسائل روحی و عاطفی انسان؛ مثل مراسم استقبال، طرز غذا خوردن، تعارف و بدرقه کردن مهمان، هم مسائل بهداشتی؛ مانند شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا و همچنین مسواک زدن را در نظر گرفته است.

تکریم، مفهومی کلی است که در برخورد توأم با گشاده‌رویی و لبخند، گفتار و رفتار توأم با احترام و ارزش‌گذاری، مصداق می‌یابد. آگاهی از زمان رسیدن مهمان، پیشواز رفتن برای او، گرفتن چمدان و وسایل همراه مهمان و حمل آن‌ها، مقدم داشتن در ورود به منزل، جفت کردن کفش‌های او، راهنمایی و معین کردن بهترین جای منزل برای نشستن و اقامت او، تهیه غذاهای لذیذ و متنوع و غیره می‌تواند مصداق اکرام به مهمان باشد (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۶: ۲۶۰).

غزالی مردم را از نشستن در مهمانی‌های پرزرق و برق منع می‌کند و می‌گوید: «اگر در مهمانی، مردی بود که جامهٔ دِبا دارد یا انگشتری زرین، نشاید آنجا نشستن و اگر در مهمانی، مسخره‌ای باشد که مردمان را به فحش و دروغ به خنده آورد، نشاید نشستن با او» (غزالی، ۱۳۳۳: ۴۰۹).

مقامات حریری، اثر ابو محمد قاسم بن محمد بن عثمان حریری است که آن را در قرن ۵ هجری، به تقلید از مقامات بدیع الزمان همدانی، به زبان عربی نگاشته است. حمیدی هم در قرن ۶ هجری، به تقلید از همدانی و حریری برای اولین بار به زبان فارسی، مقامات نوشت. مقامات از جهات زیادی دارای اهمیت هستند. از موارد اهمیت مقامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: فن سخن‌پردازی و آرایه‌های ادبی خصوصاً سجع و جناس، کاربرد ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی، مطالب جغرافیایی، مسائل جامعه‌شناسی.

یکی از وجوه اهمیت این تحقیق از حیث پژوهش‌های تطبیقی، آشنایی با فرهنگ دو ملت در موضوع آداب مهمانی است که در بسیاری موارد شباهت و در بعضی جاها دارای تفاوت و فرهنگ خاص خود هستند. بسیاری از این موارد فرهنگی خاص، بر فرهنگ ملت و کشور دیگر، تأثیر گذاشته و آن را در خود مستهلک ساخته است.

یکی از مسائل اجتماعی که در مقامات به چشم می‌خورد، آداب مهمانی و مهمان‌نوازی است و نویسنده چه در مقامات حریری و چه مقامات حمیدی در نگارش بعضی مطالب به

صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرآن و احادیث ائمه اطهار صلوات الله علیهم است. بعضی آداب دیگر درباره مهمانی که در مقامات از آن سخن رفته است، برگرفته از فرهنگ و رسم خاص اعراب و ایرانیان است.

۳. یافته‌ها

یکی از شرایط مهمانی، وظایف میزبان و مهمان در برابر یکدیگر است. غزالی در کتاب «میزبانی کردن دوستی را به طعام از بسیاری صدقه فاضلتر است» و در ادامه می‌گوید یکی از سه موردی که بر آن حساب نکنند «آنچه که با دوستان خوردند» است (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۳۰). در بحث زیر به بررسی مهم‌ترین موارد آداب ضیافت که در مقامات حمیدی و حریری ذکر شده است، پرداخته می‌شود.

۳-۱. برنامه ریزی برای مهمانی و سنجش سخن در مجلس

در متن زیر راوی به بیان برنامه‌ریزی قبلی یکی از افراد مشهور شهر برای مهمانی و دعوت از افراد صاحب فکر و هنرمند برای دو هدف یکی برپاداشتن مهمانی و دیگر امتحان میزان فکر و هنر افراد، می‌پردازد. در برابر این دعوت به مهمانی، اجابت مهمانان به دعوت میزبان با شوق و اشتیاق فراوان، بیان شده است:

تا روزی یکی از میاسیر و مشاهیر شهر که در فتوت نامی داشت و در مروت کامی، خواست که اخوان صفا را بر گوشه خوان صفا جمع کند، ابکار افکار هر یک بازجوید و بخور بخار هر یک ببوید و کنه حال هر یک از اندک و بسیار بداند و درج هنر هر یک بخواند و با آن جمع همکاسه و کاس گردد و هم الفاظ و هم انفاس شود. با یکی از آن طایفه که آشنایی داشت و در اوامر و نواهی اتحاد رایی، میقاتی معلوم و میعاد مرقوم بنهاد و از شب‌ها شب یلدا معین بود و خورش سکبا از خورش‌ها مبین. و سکباج مزعفر معطر قرار دادند و لوزینه مکفن و مدهن اختیار کردند. چون اصحابنا آن اشارت بشنیدند و بر آن اشارت بدویدند؛ صوفی وار لئیک اجابت را لب و دندان گشتند و خوارزمی وار

لقمه دعوت را همگی معده و دهان گشتند و وعاهای معده را به احتمای یک هفته بپیراستند و احراز آن فایده را به غلس برخاستند و حضور آن مائده را به سخن بیاراستند (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۴).

۲-۳. استقبال از مهمان ناخوانده

نویسنده مقامات توصیه می‌کند که وقتی مهمانی ناخوانده وارد می‌شود با خوشرویی باید به استقبال از او رفت. «آواز دادم که آیا در خانه آزاده‌ای هست؟ در این صدر و بارگاه هیچ کریمی مهمانخواه بینم؟ آوازی به گوشم آمد که هزار آفرین بر مهمانی که ناخوانده به درآید و هزار جان فدای یاری باد که بی وعده به درآید» (همان: ۱۹۰).

میزبانان برای بازکردن در، بر مهمان تازه وارد بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند. حریری در یک مقامه از قول راوی نقل می‌کند: «ابْتَدَرْنَا فَتَحَ الْبَابِ وَ تَلَقَّيْنَاهُ بِالْتَّرْحَابِ وَ قُلْنَا لِلْغُلَامِ: هَيَّا هَيَّا وَ هَلُمَّ مَا تَهَيَّا... پیشی گرفتیم در باز کردن در و استقبال کردیم از او با خوشآمدگویی و گفتیم به غلام سریع برو و بیاور آنچه که آماده است» (حریری، ۱۳۹۲: ۷۰).

۳-۳. تهیه غذای حاضری برای مهمان تازه وارد

تهیه غذای حاضری برای مهمانی که در شب یا دیر هنگام وارد می‌شود از توصیه‌های دیگر حریری است؛ وی استقبال از مهمان با خوشرویی را مهم‌تر از غذایی می‌داند که در پیش او می‌گذارند.

يَقُولُ لِي: اَلْقِ عَصَاكَ وَ ادْخُلْ وَ ابْشِرْ بَبَشْرٍ قَرِيٍّ مُعْجَلٍ
(همان: ۷۸)

امام صادق (ع) با تفکیک دو نوع مهمان، آنان را ناخوانده و خوانده، دانسته است و وظایف میزبان در قبال هر یک را به خوبی بیان می‌کنند: «هرگاه برادرت ناخوانده بر تو وارد شود، همان غذایی که در خانه داری برایش بیاور و هرگاه او را دعوت کردی در پذیرایی از او زحمت بکش» (البرقی، ۱۴۱۳: ۱۷۹).

حمیدی مهمان ناخوانده را هدیه‌ای بهشتی و خانه و هر چه در آن است را متعلق به مهمان می‌دانستند. «در آ‌ی که ردّ سائل زشت است و مهمان ناخوانده تحفه بهشت. گستاخ و ایمن بنشین که خانه و هر آن چه در آن است ملک توست و آشیانه و هر که بروس‌ت در تصرف و کلک تو» (حمیدی، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

حریری دو بیت عربی را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند و مهمان را صاحب‌خانه می‌داند که معنی ابیات چنین است:

«نان و نعمت‌مان را در حقّ دوستانمان دریغ نمی‌کنیم تا به دختران و پسران خود صرف کنیم. در حالی که چیزی در کیسه نداریم مهمان خود را گرامی می‌داریم که به اعتقاد ما مهمان خدای خانه است» (حریری، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

۴-۳. دعوت به طعام

یکی از رسوم ضیافت این است که وقتی تازه واردی از راه می‌رسید او را به طعام دعوت می‌کردند: «ثمّ قال لی: اَدْنُ فَكُلْ» (حریری، ۱۳۹۲: ۲۳). غزالی در کیمیای سعادت می‌گوید: «چون مهمانی بیاید هیچ تکلف مکنید و چون بخوانید هیچ باز مگیرید، یعنی هر چه توانید بکنید. و مهمانی غریب که فرارسد، برای وی وامی کردن و تکلفی کردن روا باشد، امّا برای دوستان که به زیارت یکدیگر آیند نباید که آن سبب تقاطع شود» (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۳۳). و همچنین به ذکر این نکته می‌پردازد که اگر مهمان بداند که میزبان بر وی منت می‌گذارد یا بداند که در مال وی شبهتی است، یا مسخره‌گی کنند یا زنان به نظاره مردان آیند و یا این که میزبان فاسق و ظالم است، دعوت وی را اجابت نکند (همان: ۲۳۵).

۵-۳. کمک به مهمان فقیر و رفع حوائج مادی او و بدرقه ایشان

حریری کمک به مهمان فقیر و رفع مشکلات او و همچنین همراهی کردن با مهمان برای دریافت مال و حواله‌ها از موارد دیگر مهمان‌نوازی می‌داند: «انّ کانَ یَکْفیکَ نَصَابٌ مِنَ الْأَمَالِ الْفَنَاءُ لَکَ فِی الْحَالِ.» (حریری، ۱۳۹۲: ۸۴) «فَوَصَّلْتُ جَنَاحَهُ حَتَّى سَنِّتُ نَجَاحَهُ» (همان: ۸۶).

حریری در جای دیگر می‌گوید که حتّی کسانی که رسم آن‌ها گدایی و طلب عطای دیگران بود به مهمان فقیر کمک می‌کردند: «طوری که حتّی آن کسی هم که عادتش گدایی و طلب عطا بود چیزی به او بخشید و حتی آن کسی که تصوّر نمی‌کردیم شادمان شود به خاطر بخشیدن چیزی به او خوشحال شد» (حریری، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

حریری ضیافت را صفت بخشنندگان و بزرگان می‌داند: «وَالْأَرْوَعُ يَثِيبُ وَالْحَلَّاحِلُ يَضِيفُ وَالسَّمْحُ يُغْذِي» (همو، ۱۳۹۲: ۹۸). و توجه به حال همسایگان و اطعام آن‌ها را یکی از سنّت‌های رایج در میان اعراب می‌داند: «همسایه آنان هرگز شب را گرسنه به سر نمی‌برد و هرگز به جهت ترس و بیتابی نمی‌گفت، غصّه‌ای مانع من شده است» (حریری، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

حمیدی و حریری در مقامات ضیافت را نشانه کرم طبیعت می‌دانند: «شریعت ضیافت به کرم طبیعت اضافت دارد و این سنّتی است مسلوک میان رعایا و ملوک. و کان رسول الله (ص): «يَجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ» (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۵).

حریری هم در مقامات مهمانی دادن را نشانه کرم می‌داند: «همانا کرم بوی خوشی دارد که روایحش از آن سخن چینی می‌کند و بوهای خوش آن سوی بوستانش راهنمایی می‌کند. من هم برخاستن بوی خوش شما را بر آشکار شدن نیکی و احسانتان دلیل گرفتم و پراکنده شدن بوی موردتان خوبی مراجعت مرا از نزدتان به من بشارت داد» (حریری، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

۳-۶. شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا در مهمانی توسط میزبان

حمیدی در مقامات با آوردن عبارت «دست از سبکا ناخورده بشستیم» (حمیدی، ۱۳۹۴: ۷۲). به رسم شستن دست‌ها بعد از غذا خوردن اشاره می‌کند.

«پس از این سخن‌ها بکاست و طشت و آب و جامه خواست و گفت: أَيُّهَا الشَّيْخُ، الطَّشْتُ وَالْغُسُولُ فَإِنَّهَا سُنَّةُ الرَّسُولِ» (حریری، ۱۳۹۲: ۷۱).

۷-۳. وظایف مهمان

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ فِي رَحْلِهِ فَلْيَقْعُدْ حَيْثُ يَأْمُرُ صَاحِبَ الرَّحْلِ، فَإِنَّ صَاحِبَ الرَّحْلِ أَعْرَفَ بَعُورَةَ بَيْتِهِ مِنَ الدَّخْلِ عَلَيْهِ»؛ هنگامی که یکی از شما وارد منزلگاه برادر مسلمان‌ش می‌شود هر جا به او پیشنهاد می‌کند، بنشیند، زیرا صاحب منزل به وضع منزل خود و آن قسمت‌هایی که نباید آشکار گردد، آشناتر است (بحارالانوار: ۴۵۱). مهمان نوازی و آداب مهمان‌داری بحث گسترده‌ای را در آداب معاشرت اسلامی به خود اختصاص داده است که در مبحث ذیل به بیان آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۷-۳. پذیرفتن دعوت مهمانی

ترغیب به مهمانی دادن و مهمان کردن دیگران با هدف ایجاد برادری و دوستی میان امت اسلامی تنها با پذیرش دعوت دعوت‌کنندگان به مهمانی امکان پذیر است. دعوت دیگران به مهمانی نشانه توجه دعوت‌کننده به مدعو و بیانگر علاقه اظهار دوستی و محبت او به مدعو است، از این رو، نپذیرفتن دعوت، به معنای بی‌توجهی به دعوت‌کننده و رد کردن رابطه دوستی و محبت اوست و این با اصول دینی و اخلاقی مخالف است. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «از ادب به دور است که مردی به مهمانی دعوت شود و نپذیرد و یا بپذیرد و غذا نخورد» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۶۰).

«چون آفتاب محسوب به اجل مضروب رسید و ایام معدود به شب معهود کشید، کرام اشراف بر یک نهج و نسق به دروازه مضیف تازه روی جمع شدند» (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۴). رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «لَوْ دُعِيَ إِلَى كِرَاعٍ لَأُجِبْتُ: اگر به خوراک پاچه دعوت شوم می‌پذیرم». غزالی یکی از آداب مهمانی را اجابت دعوت میزبان می‌داند: «در انتظار ندارد و تعجیل نکند و بر جای بهتر ننشیند. آن‌جا نشیند که میزبان اشارت کند و اگر دیگر مهمانان صدر به وی تسلیم کنند راه تواضع در پیش گیرد و در برابر حجره زنان ننشیند و در جایی که طعام از آن‌جا بیرون می‌برند زیاد ننگرد» (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۳۶).

۲-۷-۳. نرفتن به مهمانی بدون دعوت قبلی

پیامبر (ص) روایتی را درباره مهمانی سرزده رفتن ذکر می‌کند و می‌فرماید: «یکی از هشت طایفه‌ای که در صورت اهانت دیدن، نباید غیر خود را ملامت کند کسی است که بدون دعوت به سر سفره طعامی برود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ص ۴۴۴).

حمیدی هم در عبارت ذیل به این خصلت کریمان اشاره دارد که بدون دعوت به مهمانی کسی نمی‌روند:

پیش از طلب آن غنیمت و اتفاق آن عزیمت، پیری ادیب با ما همراز گشته بود؛ خواستم که او نیز از آن مائده محروم نماند و بی ما آن شب مغموم و مهموم نگردد. صورت اجتماع از او ننهفتم و قصه آن خورد و سماع با او بگفتم. پیر گفت: ایها السّاده مالی به عهد و لا عاده. اسباب لذاتان مهیا باد و اقداح راحتان مهنا، که تنزل به طریق تطفل عادت کریمان نیست و استجلاب فوائد به اجتماع موائد جز سیرت لثیمان نیست (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۵).

پیر برای عدم پذیرش رفتن به مهمانی به شعر «فربّ نظره دونها اسلات و ربّ اكله تمنع اكالات» متمسك می‌شود.

حمیدی ضیافت را نشانه بخشش و کرم می‌داند و می‌گوید: «شریعت ضیافت به کرم طبیعت اضافت دارد و این سنتی است مسلوك میان رعایا و ملوك. و كان رسول الله (ص): يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ» (همان).

۳-۷-۳. عدم زحمت مهمان به میزبان

در جهت اصل حمایت از میزبان، شرع اسلام به مهمان توصیه می‌کند که از درخواست‌ها و تقاضاهای نابه‌جا که برای میزبان زحمت‌آور است پرهیزد. در وظایف میزبان گفته شد که باید همه تلاش خود را برای پذیرایی خوب و شایسته از مهمان انجام دهد؛ ولی مهمان نیز وظیفه دارد از میزبان بخواهد که به خاطر او خود را به زحمت نیندازد و به غذایی که در خانه موجود است اکتفا کند.

با تمام اهمیتی که میهمان دارد پذیرائی‌های پر تکلف و پر زرق و برق از نظر اسلام نه تنها کار خوبی نیست، بلکه رسماً از آن نهی شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: *الْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ مِنْ أَخِيهِ، وَ مَا أَدْرَى أَيُّهُمَا أَعْجَبُ؟ الَّذِي يُكَلِّفُ أَخَاهُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ؟ أَوْ الْمُتَكَلِّفُ لِأَخِيهِ؟* افراد با ایمان از برادر مؤمن خود رودرواسی ندارند، و من نمی‌دانم کدام یک از این دو عجیب‌تر است؟ کسی که به هنگام ورود بر برادر خود او را به تکلف می‌افکند؟ و یا کسی که شخصاً به سراغ تکلف برای میهمان می‌رود؟ (بحارالانوار: ۷۵ / ۴۵۳).

سلمان فارسی از پیغمبر گرامی اسلام (ص) چنین نقل می‌کند که فرمود: *إِنْ لَا تَتَكَلَّفُ لِلضَّيْفِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا، وَ إِنْ نَقَدِمَ إِلَيْهِ مَا حَضَرْنَا؛* برای میهمان نسبت به آنچه نداریم تکلف نکنیم، و آنچه موجود است مضایقه ننمائیم (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۷. ج. ۳: ۲۹). یکی از مسلمانان صدر اسلام به نام ابووائل می‌گوید:

من به اتفاق دوستم به خانه سلمان فارسی رفتیم و مدتی نشستیم. هنگام غذا فرا رسید. سلمان گفت: اگر رسول خدا (ص) از تکلف و خویشتن را به زحمت‌افکندن نهی نکرده بود، برایتان غذای بهتری فراهم می‌ساختم. سپس برخاست و مقداری نان و نمک آورد و در برابر مهمانان گذاشت. دوستم گفت: کاش همراه این نمک، مقداری مرزه و آویشن بود. سلمان برخاست و ظرف آب خویش را گرو نهاد و کمی مرزه فراهم کرد و سر سفره نهاد. وقتی غذا را خوردیم، دوستم گفت: خدا را شکر که به روزی خدا قانعیم! سلمان گفت: اگر به رزق خدا قانع بودی، الان ظرف آب من در گرو نبود (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۳۵).

حریری برای این منظور ضرب المثل معروفی را نقل می‌کند که: «شَرُّ الْأَضْيَافِ مَنْ سَامَ التَّكْلِيفِ وَ آذَى الْمُضَيِّفِ: بدترین مهمان‌ها کسی است که میزبان را به رنج و زحمت اندازد» و در ادامه می‌گوید: «خصوصاً آزاری که متعلق به جسم است و باعث بیماری می‌شود» (حریری، ۱۳۹۲: ۷۰). ضرب‌المثل‌های فارسی هم که «رسیده، رسیده خورد» یا این که «مهمان هر که باشد، در خانه هر چه باشد» (ر.ک: دهخدا. «مهمان»)، مؤید همین مطلب است.

امام علی (ع) به فردی فرمودند: به سه شرط مهمانت می‌شوم یکی این که از بیرون خانه چیزی برایم تهیه نکنی، هرچه داری بیاوری. سوّم آن که به خانواده‌ات فشار وارد نیاوری (مجلسی، ج ۲: ۴۵۱).

سعدی هم در گلستان ایاتی در نکوهش پرخوری دارد:

شکم بند دستست و زنجیر پای	شکم بنده کمتر پرستد خدای
سراسر ملخ شد شکم لاجرم	پایش کشد مور کوچک شکم
برو اندرونی بدست آر پاک	شکم پر نخواهد شد الا به خاک
شکم بنده بسیار بینی خجل	شکم پیش من تنگ بهتر که دل

(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۲۳)

حریری در مقامات به این ویژگی مهمانان تازه وارد اشاره می‌کند که خودشان خواستار غذای حاضری و آماده بودند:

از شما گوشت بریان و قرصی نان و نانخورش می‌خواهم؛ اما اگر قیمتش گران باشد، نان لواشی بدهید تا با آن کوبیده‌ای پوشیده شود و اگر نه این مقدور باشد و نه آن، تنها از طریق تریدی خواستار سیر شدن خود هستم و در صورتی که از عهده هیچ یک از آنها برنایند خرمایی خوشبو و کره‌ای سفت کافی است. پس هر آنچه را که آماده باشد حاضر کنید، حتی اگر استخوان کوچکی از گوشت نمک‌سود کرده خشک شده باشد (حریری، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

در مقامه مغربیه وقتی جهانگردی از راه می‌رسد و طلب آب و غذا می‌کند میزبانان به وی می‌گویند که:

تو پس از غروب آفتاب حضور یافته‌ای و جز ته مانده‌های شام چیزی نمانده است. در صورتی که به آن قانع باشی در میانمان بخیلی نخواهی یافت. و مهمان به اندک غذایی خرسند و قانع است و در پاسخ می‌گوید: همانا ملازم سختی‌ها به آن چیزهایی که از سفره‌ها دور انداخته شده و از توشه‌دان‌ها دور ریخته شده است قناعت می‌کند (همان: ۱۷۸).

بعضی مهمانان تازه وارد از آوردن غذای حاضری روی درهم می‌کشند:

...سپس شروع کرد به شکایت کردن از رنج و خستگی و من هم شروع کردم به گفتن حالت چطور است و از کجا آمده‌ای؟ گفت مهلت بده تا آب دهانم را قورت دهم. چرا که راه مرا رنجانیده است. تصوّر کردم که شکمش گرسنه است و به همین خاطر خود را کسل نشان می‌دهد. بنابراین آن چیزی را برای او حاضر کردم که برای مهمانی که در شبی تاریک به طور ناگهانی وارد می‌شود، حاضر می‌کنند، اما او مانند جمع و جور نشستن فردی صاحب محتشم، خود را جمع کرد و همانند رویگردانی کسی که غذایش هضم نشده است رویگردان شد. نسبت به امتناعش بدگمان شدم و تغییر و دگرگونی خلق و خویش مرا خشمگین ساخت (حریری، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

بعضی مهمانان هم با گستاخی و طلب غذایی خاص از مهمان، موجبات ناراحتی و آزار او را فراهم می‌کنند که حریری به این موضوع هم اشاره می‌کند: ابوزید نقل می‌کند که زمانی که درونم آتش گرفته بود، فردی مرا به منزلش دعوت کرد:

با او تا منزلش همراهی کردم، همان طور که خداوند حکم کرده است. سپس مرا در خانه‌ای تنگ‌تر از تابوت و سست‌تر از خانه عنکبوت داخل کرد. با وجود این، پیرمرد تنگ بودن منزل خود را با سعه صدر و خلق خویش جبران کرد و در غذای مهمانی حاکم گردانید. گفتم: من زیباترین و سرخ‌ترین سواری را بر روی اشتهاآورترین وسیله سواری می‌خواهم. مدت زمان طولانی اندیشید و سپس گفت: شاید منظورت دختر درخت خرما باشد همراه آغوز بزغاله‌ای کوچک. گفتم هر دوی آن‌ها را می‌خواهم. در این موقع بود که شاد و شنگول برخاست و سپس در حالی که بسیار خشمگین بود نشست و گفت: گرسنگی که شعار پیغمبران است و زینت اولیا نباید تو را وادار سازد که به آن کسی ملحق شوی که دروغ می‌گوید. چرا که زن آزاده، گرسنه می‌شود؛ اما با دو پستان خود شیر نمی‌خورد و از فرومایگی امتناع می‌کند اگرچه به آن محتاج شود (همان: ۱۷۲).

با وجود این میزبان غذا را برایش آماده می‌کند و مهمان هم غذا را با حرص و ولع می‌خورد و چیزی در ظرف باقی نمی‌ماند. این گونه رفتارهای گستاخانه از مهمانان باعث بی‌توجهی میزبان به آن‌ها می‌شود.

به من گفت قبل از رسیدن شب به خانواده‌ات برس. گفتم: همانا من در خانه غربت هستم و در جای دادن به من بهترین و برترین لوازم قرب حق وجود دارد. اما گفت: دور شو و برو که امیدوارم خداوند تو را تا آنجایی که قصد رفتنش را داری سالم و تندرست نگاه بدارد (همان: ۱۷۴).

۴-۷-۳. پراکنده شدن بعد از غذا خوردن

یکی از نکاتی که در مقامات به آن پرداخته شده است پراکنده شدن بعد از غذا خوردن است که حریری در بیان این مطلب تحت تأثیر آیه قرآن است. خداوند در قرآن درباره مسئله متفرق شدن از مهمانی پس از صرف غذا، می‌فرماید: «إِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا» پس از صرف غذا پراکنده شوید و خانه میزبان را ترک کنید. البته ممکن است قصد میزبان از تشکیل این مجلس و مهمانی، مجلس انس باشد که در آن صورت از این حکم مستثنی است، ولی جایی که دعوت و مهمانی فقط برای صرف غذا ترتیب یافته است، باید پس از صرف غذا مجلس را ترک کرد و مزاحم اوقات دیگران نشد. خداوند متعال هم در آیه، علت آن را ایجاد مزاحمت برای صاحب‌خانه بیان می‌کند. حریری در مقامات به این سنت نبوی اشاره می‌کند.

لَکُنَّیْ مَذْ لَمْ أَزَلْ مَمَّنْ إِذَا طَعِمَ انْتَشِرْ

(حریری، ۱۳۹۲: ۶۳)

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ» (احزاب: ۵۳). هنگامی که دعوت شدید داخل گردید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی آن که سرگرم سخنی گردید این رفتار شما پیامبر (ص) را می‌رنجاند.

۵-۷-۳. زمان مهمانی

وظیفه دیگر مهمان، رعایت مدت زمان مهمانی است. بر میزبان هم است که در اطعام مهمان تعجیل نماید که این از جمله آداب اکرام مهمان است (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۳۶)

بر اساس روایات، مدت زمانی که عنوان مهمان بر فرد نهاده می‌شود و میزبان وظایف خاص خود را باید نسبت به او انجام دهد سه روز و دو شب است. پس از این مدت، دیگر او مهمان نیست و مانند دیگر اعضای خانواده خواهد بود؛ و بر میزبان لازم نیست که در پذیرایی از او خود را به زحمت اندازد. حریری در مقامات زمان مهمانی را سه روز می‌داند، که این موضوع هم برگرفته از حدیث پیامبر اکرم صلوات الله علیه می‌باشد.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مهمان شدن در روز اول حق مهمان است و در روز دوم و سوم هم جایز است، اما بیش از سه روز صدقه است» (مجلسی، ج ۳۷: ۳۰۸). پس مهمان نباید بیش از سه روز مزاحمت برای کسی ایجاد کند. «مهمانی سه روز است» (حریری، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

۸-۳. آداب و رسوم مهمانی در مقامات

۱-۸-۳. سفره آرای

یکی از رسوم مهمانی که حمیدی در مقامات بدان می‌پردازد سفره آرای است. مضیف ظریف، سفره زیبا، ظروف زیبا و غذاهای رنگین و انواع غذاها از جمله مواردی است که حمیدی از آن‌ها به عنوان لوازم سفره آرای یاد می‌کند.

مضیف ظریف با خوانی لطیف و دستاری نظیف بیامد و گسترده‌ی بگسترده و خوردنی بیاورد و خوانی بنهاد از روی عروسان آراسته‌تر و از زلف شاهدان پیراسته‌تر؛ چون نقش ارژنگ مزین به هزار رنگ. انایی در هر گوشه‌ای و ظرفی بر هر طرفی. ابا از انا لطیف‌تر و ظرف از مظروف نظیف‌تر. حیوان بری و بحری را شامل و الوان عتیق و طری حامل (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۶).

«در هر خضرتی نضرتی و طراوتی بود و در هر لقمه‌ای لذتی و حلاوتی. چون حالات کاسات سکباج چون بدر در صدر جای گرفت چشمه خورشید از آن صفا تیره گشت و دیده‌ها در آن سکبا خیره گشت» (همان).

حریری هم در مقامه سنجاریه به اهمیت سفره‌آرایی در میان اعراب اشاره می‌کند و مهمانی دادن یکی از تاجران به مناسبت عروسی و دعوت خاص و عام و رهگذران در این مهمانی اشاره می‌کند و در ادامه به وصف سفره می‌پردازد.

یکی از تاجران غذای عروسی را آماده کرده بود و ساکنان شهر و بیابان را به دعوت همگانی خود برای خوردن غذا فراخوانده بود. طوری که حتی دعوتش، به میان کاروانیان هم رسیده بود و در آن مهمانی، فریضه و نافله را در کار هم گردآورده بود. هنگامی که صداکننده را اجابت کردیم و به مجلسش وارد شدیم، متوجه شدیم که او غذاهایی را حاضر کرده است که با یک دست و یا دو دست می‌توان خورد، و همچنین غذاهایی را که به دهان شیرین است و به چشم آراسته (حریری، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

سپس جامی را جلویمان گذاشت که همچون هوایی منجمد بود و یا از ریزترین غباری که با نور خورشید پدیدار می‌گردد، جمع شده بود و گویی آن را از نور فضا گداخته و پوست مروارید سفید را کنده بودند و به هم پیچیده‌های نعمت را در آن به ودیعه نهاده و با بوی خوش زیادی آغشته بودند، و گویی آبی از چشمه تسنیم را به سوی رانده و منظر نیکو و بوی خوش نسیمی را آشکار ساخته بودند (همان: ۱۹۲).

«آن پیرمرد به همراه آن گروه، به طرف سفره‌ای میل کرد که آشپزان آن را آراسته بودند و همه جهات و جوانب آن در جمال و زیبایی نظیر هم بود» (حریری، ۱۳۹۳: ۲۸۵).

۲-۸-۳. یاد کردن حق نان و نمک و قسم یاد کردن به نمک

حریری مهمانی را یک سنت می‌داند و به نام کسی که مهمانی را بنیان گذاشت سوگند یاد می‌کند: «و حُرْمَةُ الشَّيْخِ الْاَذَى سَنَ الْقُرَى» (حریری، ۱۳۹۲: ۸۰) که کنایه از حضرت ابراهیم (ع) است. «ابراهیم علیه‌السلام به طلب مهمان یک دو میل بشدی و نان نخوردی تا مهمان بیافتی و از صدق وی در مشهد وی آن ضیافت بمانده است» (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۳۴).

حمیدی هم در مقامات بر رسم سوگند یاد کردن به نان و نمک اشاره می‌کند: «من در شمایل تو مخایل فضایل می‌بینم، چه باشد اگر نانی بر خوان ما بشکنی و لقمه‌ای با ما بر نمک

زنی، که رسم ضیافت قدیم است و حقّ ممالحت، عظیم و از این است که قسم آزادگان و عهد حلال زادگان است» (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۸).

۳-۸-۳. شستن پاها قبل از غذا

حریری در جایی دیگر به شستن پاها هم قبل از غذا اشاره می‌کند. در مقامه صنعاویه حارث بن همّام که راوی مقامه است روایت می‌کند که وقتی فرد سخنران که با شیوه خاص خود مردم را فریب می‌داد، تعقیب می‌کند او را می‌بیند که قبل از خوردن غذا پاهایش را می‌شوید. «به او مهلت دادم تا کفش‌هایش را درآورد و پاهایش را شست بعد او را دیدم که با شاگردش بر سر سفره‌ای از نان سفید و بزغاله کباب شده نشست» (حریری، ۱۳۹۲: ۲۳).

۴-۸-۳. پرهیز از پرخوری و ذکر فواید گرسنگی

حمیدی در متن مقامات، مردم را به دوری از پرخوری توصیه می‌کند و آن را باعث دوری از خداوند و نور معرفت می‌داند؛ و گرسنگی را صفت انبیا و اولیای الهی و یکی از لوازم قرب به خدا برمی‌شمارد. غذا روی غذا را زیان‌آور و شکم‌بارگی را با هوشیاری ناسازگار می‌داند. ای گرسنگان بادروزه و ای تهی شکمان بی روزه خوش باشید که «أَجُوعُ يَوْمًا وَأَشْبَعُ يَوْمًا» صفت انبیا و نعت اولیاست، که آخور دنیا منتهای همّت کوران است و علف مدّخر عالم مبتغای ستوران است. فرعون لثیم روزی هزار برّه بر خوان می‌نهادی و موسی کلیم از گرسنگی ندای إِنِّي لِمَا أُنْزِلَتِ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، درمی‌دادی. فرمان آمد ای موسی خوش باش که شربت مکالمه را سینه خالی شاید و طعام مؤانست را معدّه صافی که الْأَكْلَةُ مَضْرُوتَانِ وَ الْبَطْنَةُ مَعَ الْفِطْنَةِ ضَرْبَانِ. تو از آن عزیزتری که تو را به نان و آب و خورد و خواب باز گذارند و کس بود که به فراموشی ده من طعام بخورد و روزه از وی بپذیرم و باز در مواعید مکالمت خلالی در دندان کنی، بر تو بگیریم (حمیدی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

حریری هم بر پرهیز از پرخوری توصیه و احادیثی را در این زمینه ذکر می‌کند. «كَمْ مِنْ أَكْلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ» (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۲) و یا ضرب المثل «فُرْبٌ أَكَلَهُ هَاضَتِ الْأَكْلُ

و حَرَمَتْهُ مَأْكُلِ» (حریری، ۱۳۹۳: ۷۰). این مثال برای کسی است که در خوردن افراط کند تا جایی که بیمار گردد و از خوردن غذاهای دیگر محروم شود. حریری یکی از دلایل میزبان از نپذیرفتن مهمان در شب را، پرخوری مهمان و بیماری به خاطر پرخوری می‌داند:

من به نحوه خوردن تو و غذایی که حاضر و آماده شده بود خوب نگاه کردم و چنین تصوّر کردم که تو به سود و صلاح خود بی توجه هستی و حفظ و نگهداری از سلامت و تندرستی خود را مراعات نمی‌کنی و هر کسی که، در آن چه تو کردی، زیاده‌روی کند و همانند تو شکمش را پر کند هرگز از رنج و ناراحتی که در اثر پرخوری زیاد که فرد را بیمار می‌کند و از اسهال و بیماری‌ای که شخص را نابود می‌کند رهایی نخواهد یافت (همان: ۱۷۵).

۵-۸-۳. آتش افروختن به نشانه مهمانی

حریری به رسم آتش افروختن در شب به نشانه مهمانی اشاره می‌کند: «و كُنَّا بِمَعْرِسٍ نَتَبَيَّنُ مِنْهُ بُنْيَانَ الْقُرَى وَ تَنْوَرُ نِيرَانَ الْقُرَى» (نجاریان، ۱۳۹۲: ۶۱). «آتش‌های مهمانی خود را برای شبروان می‌افروختند و مهمانان را با گوشتی تازه اطعام می‌کردند» (حریری، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

۶-۸-۳. غذا خوردن در اوایل شب

حریری توصیه می‌کند که بهترین غذا آن است که در پایان روشنایی روز خورده شود؛ چون اگر غذا در شب خورده شود باعث شب‌کوری می‌گردد. جز این که گرسنگی باعث بی‌خوابی گردد: «خَيْرُ الْعِشَاءِ سَوَافِرُهُ» (نجاریان، ۱۳۹۲: ۷۲). شریشی در شرح خود بر مقامات حریری در توضیح «سَوَافِرُهُ» می‌نویسد: گویا تا شب نشده لقمه را وقتی ببینی و بخوری ظلمت را از نفس برمی‌دارد (شریشی، ج ۱: ۹۷).

۷-۸-۳. باز کردن عمامه و دستار به نشانه استقبال از مهمان

یکی از رسم‌های استقبال از مهمان، باز کردن عمامه است. «به آن‌ها گفتم آیا مهمانی مرا می‌پذیرید؟ با شنیدن این سخن دستارها و عمامه‌های خود را به خاطر من باز کردند و گفتند: خوش آمدی، خوش آمدی» (حریری، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

۸-۸-۳. بخشش غذا با ظرف به مهمان

حریری در مقامات به یکی از رسوم اعراب در مهمانی که بخشش غذا با ظرف به مهمان است اشاره می‌کند: «سپس دستور داد که ده کاسه پهن از جنس نقره را حاضر کنند، کاسه‌هایی که در آن حلوی قند و عسل وجود داشت». و زمانی که مهمان به هدیه خواستن آن کاسه‌های پهن مایل شد و به میزبان گفت: «همانا نیکی و بخشش هدیه دهنده با دادن آن ظرف، یکی از دلایل برتری و زیرکی و خوش فکری او می‌تواند باشد». میزبان ظرف را به او هدیه می‌کند و مهمان هم که ابوزید سروجی است کاسه‌های غذا را میان دوستانش تقسیم می‌کند. «شروع کرد به چرخاندن ظرف‌ها با دست خود و توزیع آن‌ها به تعداد همراهانش». (حریری، ۱۳۹۳: ۱۹۹)

۹-۸-۳. ذبح کردن شتر برای مهمان

حریری به مهمان نوازی اعراب اشاره می‌کند و می‌گوید که حتی شتر هم برای مهمان ذبح می‌کردند: «در آن صبحی که مهمان داشتم، شترانم گله می‌کردند و می‌نالیدند». (حریری، ۱۳۹۳: ۲۴۶)

۹-۳. وصف غذاها و سفره‌آرایی

از جمله مواردی که حریری نشانه مهمان نوازی می‌داند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: گذاشتن تره بر سفره برای آراستن سفره، آتش سرکه، نان حلوائی، فالوده، نیاوردن طشت و آفتابه قبل از اتمام غذا، به گردش درآوردن بخور میان مهمانان قبل از پراکنده شدن آن‌ها.

اگر تره را طلب کنی یقیناً سفره را زیبا خواهد گرداند، چه زیبا گرداندنی؛ و آش سرکه‌ای را بطلب که به کسری منسوب است و حلیم را فراموش نکن، زیرا چه بسا بعضی‌ها از آن یاد کنند؛ و همچنین نانی که داخل آن گوشت و برنج و مغز گردو و چیزهای دیگر می‌گذارند و به تنور می‌چسبانند؛ و چنان‌چه فالوده‌ای را با آن قرین کنی نامت را از شمار بخیلان محو خواهی ساخت؛ و از این که پیش از برداشتن بارهای جدایی و فراق، طشت و آفتابه را نزدیک کنی پرهیز. و آن گاه که آن گروه، از تناول غذا دست بکشند و وسیله شستن دست را به دست گیرند، بخور را میان آنان به گردش درآور، چرا که آن نشانه سخاوت و کرم است (حریری، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

غزالی هم، گذاشتن تره را برای آراستن سفره پیشنهاد می‌کند؛ ولی دلیل آن را حضور فرشتگان بر سر آن سفره می‌داند: «چون بر سفره سبزی باشد، در اثر است که فرشتگان حاضر شوند» (غزالی، ۱۳۳۳: ۲۳۷).

حمیدی نیز به وصف سفره و غذاها پرداخته است و وجود سرکه، شکر، زعفران و مغز بادام را از ضروریات سفره می‌داند: «سرکه او چون روی بخیلان و زعفران او چون گونه علیلان، چون چهره عاشقان مخلل و چون لب معشوقان معسل. به مغز بادام ملوز و به شکر عسکر مطرز و به زعفران مطیب، مزعفر» (حمیدی، ۱۳۹۴: ۶۶).

۳-۱۰. به کار بردن اصطلاح خوان سالار

یکی از اصطلاحات جالب توجه در مقامات که حمیدی، اصطلاح «خوان سالار» بجای اصطلاح «سرآشپز» امروزی است. او در اشعار منظوم می‌سراید:

به رنگ چهره بیمار لیکن اندر وی دواى دلشدگی و شفای بیماری

به وقت طبخ بر او کرده دست خوانسالار ز رنگ و بوی بسی زرگری و عطاری

(همان)

۴. نتیجه‌گیری

بررسی آداب مهمانی در مقامات حمیدی و حریری نشان می‌دهد که بعضی آموزه‌های این دو نویسنده در مقامات، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برگرفته از آیات قرآن و احادیث ائمه علیهم السلام می‌باشد. مطالب دیگر درباره مهمانی، اشاره به رسوم خاص مهمان‌داری در میان ایرانیان و اعراب دارد. شستن دست و پاها، قبل و بعد از غذا، پراکنده شدن بعد از غذا خوردن، رفتارهای متقابل میزبان و مهمان، پرهیز از پرخوری و ذکر فواید گرسنگی از مواردی است که در مقامات، بدان‌ها پرداخته شده است.

آتش افروختن به نشانه مهمانی، باز کردن عمامه به نشانه استقبال از مهمان، بخشش غذا با ظرف به مهمان، برطرف کردن حوائج مادی مهمان از طرف میزبان، از جمله رسوم مهمان‌نوازی در میان ایرانیان و اعراب است که در مقامات حمیدی و حریری به آن‌ها اشاره شده است.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۹۲). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: اسوه.
- نهج البلاغه. (بی تا). ترجمه جعفر شهیدی، قم: دارالهجره.
- بهار، ملک الشعرا. (۱۳۶۵). سبک‌شناسی. (جلد ۲). تهران: امیرکبیر.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۴). شعر و اندیشه. تهران: مرکز.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳). از رودکی تا بهار. (ج ۱). تهران: نغمه زندگی.
- حسنی کندسر، احمد. (۱۳۹۰). «اجتماعیات در ادب فارسی». نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز. سال ۶۴، شماره ۲۲۴، پاییز و زمستان. صص ۶۳-۸۶.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد. (۱۴۱۳ق). المحاسن. تحقیق سید مهدی رجائی. قم: المجمع العالمی لأهل البيت.
- حریری، قاسم بن علی. (۱۳۹۳). مقامات. ترجمه و توضیح طواق گلندی گلشاهی. تهران: امیرکبیر.
- حمیدی، قاضی حمید الدین ابوبکر عمر. (۱۳۹۴). مقامات. تصحیح رضا انزابی نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل البيت.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲). *امثال و حکم*. (ج ۱). تهران: امیرکبیر.
- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۸۱). *گلستان*. شرح دکتر محمد خزائلی. تهران: بدرقه جاویدان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*. بی‌جا: شریف رضی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۷ ق). *المحجۃ البیضا*. (ج. ۳). قم: جماعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث.
- محمدی. نورمراد. (۱۳۸۶). *مهمان‌داری در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- نجاریان، محمدرضا. (۱۳۹۲). *شرح دشواری های مقامات حریری*. یزد: دانشگاه یزد.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۷ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.
- غزالی، محمد. (۱۳۳۳ ق). *کیمیای سعادت*. تصحیح احمد آرام. تهران: کتابخانه و چاپخانه مرکزی.